بررسی

تصورات شهری

تعریف شهر به جمع وجه کار ساده‌ای نیست زیرا شهر جیزهای بسیاری است: مکانی فضایی، واحدی سیاسی، واحدی اداری، مکان کار و تفریح، مجموعه‌ای از رثیاها و کابوس‌ها. اسیزای از روابط اجتماعی، مجموعه متراکمی از فعالیت‌های اقتصادی و جوامع‌ای از این دست. با توجه به این تعدد معانی، جدالگردن برخی ویژگی‌های شهر، که آر را از همتای شاهرزیای بغلی رسوتاً جدا می‌کند، بسیار دشوار است. مطالعات شهری در چند دهه اخیر اهمیت روزافزونی یافته است. این اهمیت از یک‌سو برخاسته از گسترده‌شدن جغرافیای انسانی و ارتباط زندگی روزمره آدمیان با شهر و از سوی دیگر به خاطر پیشرفت‌های نظری و پیش‌رشتای دانشگاهی درباره این موضوع است. کتاب «شهر» نوشته فیل هوارد که انتشارات هنعام و فرهنگی اخیراً در قالب مجموعه‌های اختصاصی درباره شهر چاپ دوم آن را منتشر کرد مقدمه‌ای قابل‌فهم و در عین حال انتقادی به برکی از اندیشه‌های اصلی در جغرافیای انسانی است. تعریف و مشخصات شهر همواره در کانون بحث‌های شهر اجتماعی قرار داشته یکی همچنان مفهومی قابل‌بحث است. فیل هوارد در این کتاب مفهوم شهر را در متن سنت‌های کنونی اندیشه اجتماعی قرار می‌دهد و با بحث انتقادی درباره نقش شهرهای مختلف، مبنایی برای درک کاربردها و معانی متنوع آن به دست می‌دهد.

در این اثر در قالب متن درسی و آموزشی تدوین شده و راه‌های جدیدی را نشان می‌دهد که دیگر نمی‌توان به شیوه‌های سنتی و جغرافیای انسانی بسنده کرد. نویسنده با قراردادن این سنت‌ها در متن میراث غنی مطالعات شهری و جامعه‌شناسی شهری معتقد است که هیچ یک از این رویکردها به تنهایی به درک ویژگی‌های خاص شهر کمک نمی‌کند. او بر این باور است که نمی‌توانیم نظریه‌ای واحد و بزرگ و کلان درباره شهر داشته باشیم که پاسخ‌گوی تمام نسبت شهرها و همه مسائل آنها برآید. همچنین باید به این دلیل که در شهر همه چیز جریان دارد و خود آن در نیز به شدت پیوسته‌ایست، نظریه‌های ایستا به کار آن نمی‌آید. از نظر او شهر مفهومی که دائما در حوزه نظریه شهری بازاندیشی شده و نظریات گذشته مدام باید به‌روز شد.

اسان شهرنشینی را از هزاران سال پیش آغاز کرده ولی شهرهای آن دوران با شهرهای امروزی قابل مقایسه نیست. شهر مدرن پدیده جدیدی است که به دوران بعد از انقلاب صنعتی باز می‌گردد. حدود دویست سال است که شهرهای صنعتی یا انواع فراوانی از ساختارها و نظام‌های پیچیده سخت‌افزاری و نرم‌افزاری قد علم کرده‌اند. غالبا شهر را مکانی با تراکم بالای جمعیت و مرکزیت سیاسی، اداری و تاریخی می‌دانند که فعالیت اصلی مردم در آنجا غیر از کشاورزی و دامداری است و تحت حاکمیت یک دولت اداره می‌شود. شهر در مقابل روستا قرار می‌گیرد و با شاخص‌هایی از آن متمایز می‌شود. مهم‌ترین شاخص‌ها در این زمینه عبارتند از وسعت زمین، وضعیت و نوع فعالیت اقتصادی، درجه استقلال و قشربندی اجتماعی، درجه پیچیدگی روابط و مناسبات انسانی و نهادی. چگونگی بهره‌گیری از نهادهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، میزان و کیفیت جمعیت. نویسنده پس از ارائه تعریف‌های مختلف از شهر با به میانی همچون کلان‌شهر، زندگی روزمره شهری، ساختمان‌ها، تکنولوژی، ارتباطات، طبیعت و محیط زیست، جمعیت، مهاجرت، هویت، اقتصاد، فرهنگ، جهانی‌سازی می‌پردازد.

ارزش و اهمیت حوزه نظریه شهری که از آنست که تلاش می‌کند واژگان و گفتمانی خاص موضوع شهر ایجاد کند که به دیگر مباحث فوکوسانه نشود. غیر از متفکرانی که به طور خاص و تخصصی به مطالعات شهری می‌پردازند، محققان دیگری نیز هستند که در این زمینه نظریه‌پردازی کرده‌اند. آنها شهر را از دریچه سیاست، اقتصاد، تجارت یا مواردی دیگر بررسی می‌کنند. اما آیا می‌توان شهر را به عنوان موضوع مستقلی لحاظ کرد که از دراقدامن به سایر حوزه‌ها در امان باشد؟ پاسخ نویسنده مثبت است و این را به این دلیل می‌داند که به عنوان موضوع مستقلی لحاظ شهر چیز سیاسی منرقی یا ابداعی در آن نیافته در ترکیب معترضان، به در بیانیه‌ها و اعمال‌شان.

دلایل این شورش متعدد و موجه است و در این نکته تردیدی نیست. تبدیل نواحی روستایی به بیابان، سوءتوگیر بودن شهرهای کوچک و حتی شهرستان‌های بزرگ‌تر، کمبود مداوم خدمات عمومی برای توده‌های مردم، خصوصی‌سازی مابقی این خدمات، درمانگاه‌ها، بیمارستان‌ها، مدارس، دفاتر پستی، ایستگاه‌های راه‌آهن و تلفن، فقیرسازی مداوم کسانی که روز به روز بیشتر در آلوده‌ی مدن شهر و زندگی آدم‌هایی تأثیر می‌گذارد که چهل سال پیش قدرت خریدشان رو به افزایش بود. مسلما اشکال تعدیل مالیات‌گیری و تشدید آن یکی از دلایل فقر و مسکنت کونی است. من از اوضاع زندگی مادی خانواده‌ای که در آن یک نفر سردرد ناچیزی بگیرد می‌خبر نیستم، به خصوص زان که بخش فعال جنبش جلیقه‌زردها هستند. خلاصه امروز در فرانسه نارضایتی عمیقی در بین بخشی به چشم می‌خورد که می‌توان آنها را «زحمتکش» یا «جامعه خواند، یعنی طبقه متوسطی که عمدتا در شهرستان‌ها با درآمد کم زندگی می‌کنند. جلیقه‌زردها در واقع یک شورش فعال و مهلک نمایند و این جنبش از جامعه‌اند.

تاریخچه ضدانقلاب لیبرال

دلایل تاریخی و اقتصادی این جنبش کاملاً واضح است. این دلایل نشان می‌دهد چرا جلیقه‌زردها فلاکت کونی خود را به چهل سال پیش برمی‌گردانند: شروع یک ضدانقلاب سیاسی‌ماده‌رانانه و چرکه‌سالار حول و حوش دهه ۸۰ که به غلط «لیبرال»، نامیده می‌شود. اگر بر این باور است که نمی‌توانیم نظریه‌ای واحد و بزرگ و کلان درباره شهر داشته باشیم که پاسخ کونی تمام شهرها و همه مسائل آنها برآید. همچنین باید به این دلیل که در شهر همه چیز جریان دارد و خود آن نیز به شدت پیوسته‌ایست، نظریه‌های ایستا به کار آن نمی‌آید. از نظر او شهر مفهومی که دائما در حوزه نظریه شهری بازاندیشی شده و نظریات گذشته مدام باید به‌روز شد.

اسان شهرنشینی را از هزاران سال پیش آغاز کرده ولی شهرهای آن دوران با شهرهای امروزی قابل مقایسه نیست. شهر مدرن پدیده جدیدی است که به دوران بعد از انقلاب صنعتی باز می‌گردد. حدود دویست سال است که شهرهای صنعتی یا انواع فراوانی از ساختارها و نظام‌های پیچیده سخت‌افزاری و نرم‌افزاری قد علم کرده‌اند. غالبا شهر را مکانی با تراکم بالای جمعیت و مرکزیت سیاسی، اداری و تاریخی می‌دانند که فعالیت اصلی مردم در آنجا غیر از کشاورزی و دامداری است و تحت حاکمیت یک دولت اداره می‌شود. شهر در مقابل روستا قرار می‌گیرد و با شاخص‌هایی از آن متمایز می‌شود. مهم‌ترین شاخص‌ها در این زمینه عبارتند از وسعت زمین، وضعیت و نوع فعالیت اقتصادی، درجه استقلال و قشربندی اجتماعی، درجه پیچیدگی روابط و مناسبات انسانی و نهادی. چگونگی بهره‌گیری از نهادهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، میزان و کیفیت جمعیت. نویسنده پس از ارائه تعریف‌های مختلف از شهر با به میانی همچون کلان‌شهر، زندگی روزمره شهری، ساختمان‌ها، تکنولوژی، ارتباطات، طبیعت و محیط زیست، جمعیت، مهاجرت، هویت، اقتصاد، فرهنگ، جهانی‌سازی می‌پردازد.

جلیقه زرد و یک دل سوال

رنگ زرد همه جا را فراگرفته است

شهر

فیل هوارد

ترجمه: افشین خاکباز

ناشر: علمی و فرهنگی

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ تومان

بررسی

تولید و بازشناسی نشانه‌ها

نشانه‌شناسی به مطالعه نشانه‌ها و چگونگی کارکرد آنها می‌پردازد و می‌توان از آن تحت عنوان آموزه نشانه‌ها یاد کرد. در مطالعات نشانه‌شناختی از دیدگاه‌های گوناگون به پدیده نشانه پرداخته شده است. متفکران و نظریه‌پردازان بنامی در این حوزه کار کرده‌اند از جمله فردینان دو سوسور، چارلز سندرس پیرس، چارلز موریس، ویلیام موریس و دیگران. از مهم‌ترین متفکران این حوزه، امبرتو اکو، نشانه‌شناس، فیلسوف، متخصص قرون وسطی، منتقد ادبی و رمان‌نویس آثاری را به زبان ایتالیایی از سال‌های اخیر با ترجمه برخی از مهم‌ترین آثارش به نامی آشنا برای مخاطبان فارسی‌زبان بدل شده است. در این سال‌ها مان‌های بسیاری از او به فارسی ترجمه شده‌اند: «نام گل سرخ»، «اُنبرتو اکو»، «جزیره روز گذشته»، «شماره صفر» و «گورستان پراگ». اکو را در ایران بیشتر به‌عنوان رمان‌نویس می‌شناسند؛ درحالی‌که او اولا یک نشانه‌شناس و فیلسوف و ازجمله مهم‌ترین زبان‌شناسان و نشانه‌شناسان ساختارگرا بود. از نظر او نشانه‌پردازان و یادگیران نشانه‌شناسی معاصر است و در این حوزه هفت کتاب و رساله مهم و تعیین‌کننده دارد. در سال‌های گذشته کتاب‌های «نشانه‌شناسی»، «در جستجوی زبان کامل» و «نشانه: تاریخ و تحلیل یک مفهوم» از این مجموعه به فارسی ترجمه شده‌اند. به‌تازگی نشر ثالث کتاب مهم «نشانه‌شناسی» را با ترجمه پیروز ایزدی تجدید چاپ کرده است. کتاب حاضر برگرفته از بخشی از کتاب قبلی او با عنوان «نظریه نشانه‌شناسی» (۱۹۷۳) است که به نظر می‌رسد در سایه برخی نوشته‌های او مثل «نشانه‌شناسی و فلسفه زبان» و «محدودیت‌های تفسیر» فرار گرفته و قدیمی شده است. با این‌حال، در نظر اکو اثر او با ناشسه بخش‌هایی از آن کتاب را بدون پس از سال‌ها متنشر گرد، چیزی غیر از کتاب حاضر، «نشانه‌شناسی» نمی‌توانند باشد.

اکو بر این باور است در نشانه‌شناسی، نه نشانه‌ها بلکه باید از نظم نشانه‌های سخن گفت. او نقش نشانه‌ای را رابطه‌ای قرارداد‌ی تعریف می‌کند که میان بیان و محتوا برقرار می‌شود. اکو تاکید دارد نمی‌توان قائل به یک‌خطی در مورد تفاوت میان نشانه‌های قراردادی و نشانه‌های انگیخته، زیرا نشانه‌ها و حرکات بدن بود به این اعتبار که واحدهایی به نام «نشانه»ها هستند، وجود دارد که به ناگهان اسامی آنها می‌توان نوعی نیوبولوژی ارائه کرد. در نظر او، آنچه نشانه خوانده می‌شود، حاصل عملیاتی پیچیده است که در آن شیوه‌های گوناگون تولید و شناخت دخالت دارد. او در این میان محتوا را ساخته و پرداخته فرهنگی مشخص می‌داند. طبق این تعریف، بیان در وهله اول به فرهنگ برخواهد گشت. در نظر اکو یک داده حسی، حتی اگر به واسطه یک اثر یا کوچک‌شدن ابعادش درک شود، باز هم نشانه‌ای قابل تفسیر است؛ مثل دیدن تصویر بزرگ‌شده مدار از تلسکوپ. از سوی دیگر، پدیده جایگزین ثابت نمی‌کند که پدیده نشانگی تنها پس از آن از بین برود یا می‌کند که جایگزین جانشین داده‌های قابل تبدیل را به دست داده باشد. در واقع، پس از آنکه دوربین به ما امکان درک چیزی را در جایی بدهد که در دور از تیررس چشم ماست، نشانه‌ها تولید شده‌اند: «دوربین تلویزیون یک اجبار را نشان می‌کند. واقعیتی که از پیش مستعد دلالت بر چیزی است». همچنین اکو اعتقادی به کونشانه‌شناسی ندارد که در آن بر زمینه عوامل تولید نشانه‌ها هستند. فرارداد‌های به‌دست‌آمد از آن در زمره عوامل تولید نشانه‌ها هستند. هرچند تحدیدات دیرتوان در فیزیولوژی اعصاب و علوم شناختی نشان می‌دهد فرارداد‌های نشانگی حتی در ادراک نیز دخیل‌اند. در واقع اکو این پدیده‌ها می‌توانند در حدول شیوه‌های تولید نشانه گنجانده شوند. چون آنها در مقام یک فرایندهای نشانگی ما نیستند، بلکه برعکس تابیه می‌کنند که این فرایندها عملیاتی پیچیده‌اند و فرارداد ساده نشانه‌های از پیش‌ساخته نیستند. او همچنین این گفته را نمی‌پذیرد که توانایی ما برای بازشناسی یک موضوع از اصول موضوعه نشانه‌شناسی است و تاکید دارد این گفته فقط در چارچوب گفتمان جاری در مورد تولید نشانه‌ها می‌تواند مطرح باشد؛ به همان شکل که محتوا در توصیف نحوه استفاده از یک ابزار ناوبری برای مدارهاگیری عرض جغرافیایی اینکه زمین به دور خورشید می‌چرخد امر مفروض به حساب می‌آید. وی این اصل موضوعه در چارچوب گفتمان نجوم با درک به یک فرضیه علمی تبدیل می‌شود که قابل اثبات یا ابطال است.

نظریه اکو به رابطه بین صورت بیان و صورت محتوا می‌پردازد که بر اساس فرارداد شکل می‌گیرد. در نظریه او نقش نشانه‌ای مفهوم محوری است. او بر این باور است که نقش نشانه‌ای از گفتمان مانند رابطه بیان با محتوا باشد. اتوالع گفتمان فرارداد‌ی است که برای آنها میان بیان و اینکه بیان چه چیزی را نشان می‌دهد، پیش‌نیاز باید ایجاد می‌شد. ازاین‌رو، تنها زمانی که به اندازه کافی بتوانیم مطابق محتوایی را مدیاریم کنیم، بین مناسب در اختیار خواهیم داشت. از این وضعیت و وضعیتی تناقض‌آمیز می‌دانست که در آن بیان باید بر مبنای یک حد محتوایی تابیه شود که پیش از آنکه به طریقی بیان شود، وجود خارجی ندارد. تولیدکننده نشانه‌ها ابدعای به اندازه کافی و روشن دارد از آنچه می‌خواهد بگوید. اما نمی‌داند چگونه آن را بگوید؛ یعنی فقدان یک نوع محتوایی ابجاد یک نوع بیانی را دشوار و محتوا را مبهم و نامشخص می‌کند. به این دلیل میان انتقال یک محتوای جدید اما فاقد بیانی و انتقال یک سبک محتوایی همان تفاوتی وجود دارد که بین «آفرینش از روی قواعد و آفرینندگی» که تغییردهنده قواعد است». او اضافه می‌کند هرچه نوع محتوایی جدیدتر و نامتعارف‌تر باشد و به انواع رمزگذاری‌ای پیش موجود تحت بیرونی‌تری داشته باشد، تولیدکننده باید بیشتر بکوشد تا نزد گرنده و اثرش مطرح گردد. اکو به نوعی با واکنش‌هایی همارز باشد که نیز او وجود موضوع یا عنصر محسوس را اقلا می‌کند. در نظر او، این چگونگی تحدیدات که مفهوم نشانه، «مفهوم» به‌عنوان نشانه طبیعی، انگیخته و قیاسی (تمثیلی) را پدیده آورده است و اساسا تمامی آنها می‌توان نوعی نیوبولوژی ارائه کرد. در نظر او، آنچه نشانه خوانده می‌شود، حاصل عملیاتی پیچیده است که در آن شیوه‌های گوناگون تولید و شناخت دخالت دارد. او در این میان محتوا را ساخته و پرداخته فرهنگی مشخص می‌داند. طبق این تعریف، بیان در وهله اول به فرهنگ برخواهد گشت. در نظر اکو یک داده حسی، حتی اگر به واسطه یک اثر یا کوچک‌شدن ابعادش درک شود، باز هم نشانه‌ای قابل تفسیر است؛ مثل دیدن تصویر بزرگ‌شده مدار از تلسکوپ. از سوی دیگر، پدیده جایگزین ثابت نمی‌کند که پدیده نشانگی تنها پس از آن از بین برود یا می‌کند که فرهنگ و فرارداد‌های به‌دست‌آمد از آن در زمره عوامل تولید نشانه‌ها هستند.

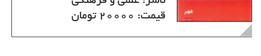

شهر جلیقه‌زردها

زمین زیر پایمان جلیقه‌زردها است

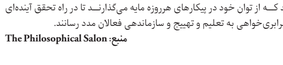

پاریس میان دو آتش

شورش مردم علیه شاه؛ حرکتی شبیه فرانسوی

پایان جهان!

اندیشه

آلن بدیو: درس‌های جنبش جلیقه‌زردها

ترجمه: رحمان بوذری

از ابتدای جنبش جلیقه‌زردها بسیاری از روشنفکران فرانسوی و غیر آن در تحلیل این جنبش مقالاتی نوشتند و مصاحبه‌هایی کردند. بخش عمده این مقالات در صفحه اندیشه «شرق» ترجمه و منتشر شد. بادداشت‌ها و تحلیل‌های آرای آرزان، انزو تراورسو، فلیکس بنتی و اوازه، ایه، سدریک دوران، اسلاوی ژیژک، فردریک لوردون، دیوید کریبر، سوفی ویتش، و آنتونیو نگری. در این میان موضع‌گیری انتقادی ژیژک نسبت به جلیقه‌زردها متمایز از سایر تحلیل‌ها بود. آن بدیو نیز در ماه‌های اولیه این جنبش برخلاف انتظار سکوت نمود. اما دال بر موضع منفی او نسبت به این جنبش نبود. چهارماه پس از شروع جنبش جلیقه‌زردها به دو مقاله‌ای مخالفت قاطع خود را با این جنبش اعلام کرد. مقاله‌ای که ابتدا قرار بود در «لوموند» منتشر شود ولی در نهایت این روزنامه آن را رد کرد. به گفته مسئولان لوموند ظاهرا دلیل آن به نقد تند دیگری برمی‌گشت که بدیو علیه آلن فینکلکرات، روشنفکر عرصه عمومی فرانسه، در چاپ دیگری نوشته بود. در نهایت مقاله به صورت غیررسمی منتشر و پخش شد. بدیو در اینجا جلیقه‌زردها را فاقد هرگونه ابعاد سیاسی و خواهان بازگشت نظم سابق می‌داند و در پایان به ارزیابی جنبش‌های یک دهه اخیر می‌پردازد. با توجه به اهمیت موضع او در این بازه در ادامه ترجمه‌ای آزاد از آن ارائه می‌شود. پیش‌نرگزارشی از این مقاله به قلم شیدان وثیق در سایت جنبش و انتشار شده بود که به رئوس کلی آن می‌پرداخت. ضرورت درگ ترجمه این مقاله نقدی است که در همین صفحه می‌خوانید از کابول راکیفل، فیلسوف فرانسوی- آمریکایی، بر واکنش روشنفکران رادیکال فرانسه به جلیقه زردها؛ او در مقاله خود به نقد سه موضع فکری می‌پردازد: اصلا طلبی لیبرال (اتی‌بن بالیبار)، تحلیل غیرطبقاتی (ژاک رانسیر) و مارکسیسم ضدانقلابی (آن بدیو و اسلاوی ژیژک). و در نهایت از فرصتی دفاع می‌کند که «روشنفکر مداخله‌گر» می‌نامد. مقایسه مواضع گوناگون روشنفکران برجسته درباره جنبش‌های سال‌های اخیر، و آخرین مورد آن جلیقه زردها، می‌تواند راهی بگشاید برای فهم بن‌بست‌های جهان امروز و شکل‌های بدیل مبارزه محلی و جهانی با آن.

جمعی آن. شعارها و بیانیه‌های آن، هیچ چیزی در آن نمی‌بینم که مرا برانگیزاند. توجهم را جلب کند و طرف خطابم قرار دهد. اعلامیه‌هایشان، فقدان سازمانده‌ای‌شان، هم آکسیون‌هایشان، غیاب مفروض هرگونه عام و بینش راهبردی، همه و همه مانع از ایداع سیاسی می‌شود. همه خصومت‌شان با هرگونه جهت‌گیری مشخص و ترس وسواس‌آمیزشان از تمرکزگرایی و کار جمعی حتم مرا پس می‌زند. ترسی که دموکراسی را فردگرایی جا می‌زند. کاری که همه مرتجعان دوران ما می‌کنند. هیچ‌یک از اینها در برابر مکرون کریه و مفلوک یک نیروی منرقی مبنی‌ر عدم رضایت نمی‌کند که در بلندمدت بر او پیروز شد.

می‌دانم که مخالفان دست‌راستی جنبش، به‌خصوص روشنفکران خائن، انقلابیون سابق که وقتی دولت یا کوچه را از یک جنبش برخلاف انتظار سیاسی‌ایشان سد مادر مجبورکوی دولت پلیس شدند. جلیقه‌زردها را به بهوستیزی یا همووفبیا متهم می‌کنند یا آن را «خطری برای جمهوری ما» می‌دانند. در ضمن می‌دانم که اگر هم رکای از این چیزها باشد نه نتیجه یک باور مشترک بین همه اعضای جنبش بلکه نتیجه حضور و نفوذ عناصر راست افراطی به جنبش سازمان‌نیافته‌ای است که می‌تواند دستکاری شود. ولی در نهایت برای نشانه‌ها و رکه‌های واضح اتم را وامی‌دارد در ارزیابی خود محتاط باشد. نشانه‌هایی همچون مقی‌گرایی کوته‌بینانه، خصومت پنهان با روشنفکری، دموکرات‌گرایی عوام‌فریبانه در قالب بنهان فاشیستی «مردم علیه نخبگان»، و سخنرانی‌های گیج‌وگنگ. بگذاریم ادعای کنیم که غیبت‌ها و بایگانی‌ها مشابه موجود در «شبکه‌های اجتماعی» که بسیاری از جلیقه‌زردها اطلاعات عمده‌ای را از آنجا به دست می‌آورند، به انتشار نظرهای نخ‌نمای نوطله دامن می‌زند.

ضرب‌المثلی قدیمی می‌گوید: «هر آنچه می‌جنبد، هر جنبشی، سرخ نیست». و در حال حاضر در جنبش جلیقه‌ها که بی‌تردید «می‌جنبد»، شکی نیست به غیر از زرد قلعه برچم سه رنگ فرانسه دیده می‌شود که همینه برای من مشکوک است.

البته جیهای افراطی «خواکبردان جنبش شب‌خیزان» آنجا که همه‌ما دنبال جنبشی می‌گردند تا وارد رنانشان شود. (لافزنان «شورشی سرکوب و خونت پلیس. پس از جنگ وکریمای آشوبناک طولانی‌ش جنبش بر اعمال تودهای آن در مبارزه می‌کند. این نیروی خلاق فعالیت‌های جمعی را تصدیق می‌کند. یعنی توانایی جنبش‌ها را برای ایده‌ها و پروژه‌های عملی که همگی فردی به تهایی نمی‌توانند آنها را تولید کند. دیدیه کریبر و آنتونیو نگری، با آنکه یکی دلمشغول اصل سازماندهی افقی است و دیگری در جاجرای مفهوم انبوهه می‌اندیشد، هر دو در مقاله‌هایی - نگری چندین‌چندین مقاله - نوشته‌اند و آن تودهای که نشوده‌اند منطق ویژه این شورش‌ها را بیرون بکشند و آنچه را به نظرشان نیوبدیشرین نیروهای عمل است تشویق کنند. سازمان آموزش رادیکال (RED)، سازمانی سیاسی که من با آن همکاری می‌کنم، جلیقه‌های مجمعی را به عنوان «جمع در مبارزه‌ها» را به نشر رسانده که بدیهترین نمونه‌ها را برای ایده‌ها و پروژه‌های عملی که به میدان آمد شناسایی می‌کند و به ویژگی‌های اشاره می‌کند که باید مقوم‌شان کنیم. کنونی را به قیامی انقلابی بر ضد سرمایه‌داری بدل سازند.

نفوذ عناصر راست افراطی به جنبش سازمان‌نیافته‌ای است که می‌تواند دستکاری شود. ولی در نهایت برای نشانه‌ها و رکه‌های واضح اتم را وامی‌دارد در ارزیابی خود محتاط باشد. نشانه‌هایی همچون مقی‌گرایی کوته‌بینانه، خصومت پنهان با روشنفکری، دموکرات‌گرایی عوام‌فریبانه در قالب بنهان فاشیستی «مردم علیه نخبگان»، و سخنرانی‌های گیج‌وگنگ. بگذاریم ادعای کنیم که غیبت‌ها و بایگانی‌ها مشابه موجود در «شبکه‌های اجتماعی» که بسیاری از جلیقه‌زردها اطلاعات عمده‌ای را از آنجا به دست می‌آورند، به انتشار نظرهای نخ‌نمای نوطله دامن می‌زند.

همه جنبش‌های سال‌های اخیر مسیری را طی کرده‌اند: چه زمانی چه مکانی، که در عمل شبیه هم و حقیقتا قابل‌جابه‌جا بوده است:

الف) اتحاد اولیه حول رفض دولت مستقر؛ این لحظه را می‌توان لحظه «اسفاط» دولت دانست. سلفاط مبارک، مکرون.

ب) عامل حفظ این اتحاد یک شعار صرفا سلبی است: مخالفت با سرکوب و خونت پلیس. پس از جنگ وکریمای آشوبناک طولانی‌ش جنبش بر اعمال توده‌ای در مبارزه‌ها تصدیق می‌کند. این نیروی خلاق فعالیت‌های جمعی را تصدیق می‌کنند. یعنی توانایی جنبش‌ها را برای ایده‌ها و پروژه‌های عملی که همگی فردی به تهایی نمی‌توانند آنها را تولید کند. دیدیه کریبر و آنتونیو نگری، با آنکه یکی دلمشغول اصل سازماندهی افقی است و دیگری در جاجرای مفهوم انبوهه می‌اندیشد، هر دو در مقاله‌هایی - نگری چندین‌چندین مقاله - نوشته‌اند و آن تودهای که نشوده‌اند منطق ویژه این شورش‌ها را بیرون بکشند و آنچه را به نظرشان نیوبدیشرین نیروهای عمل است تشویق کنند. سازمان آموزش رادیکال (RED)، سازمانی سیاسی که من با آن همکاری می‌کنم، جلیقه‌های مجمعی را به عنوان «جمع در مبارزه‌ها» را به نشر رسانده که بدیهترین نمونه‌ها را برای ایده‌ها و پروژه‌های عملی که به میدان آمد شناسایی می‌کند و به ویژگی‌های اشاره می‌کند که باید مقوم‌شان کنیم. کنونی را به قیامی انقلابی بر ضد سرمایه‌داری بدل سازند.

نفوذ به شدت و وسعت جنگ روانی علیه هرگونه قیامی و نیز قدرت عظیم دموسکاه سرکوب و خونت پلیس. پس از جنگ وکریمای آشوبناک طولانی‌ش جنبش بر اعمال توده‌ای در مبارزه‌ها تصدیق می‌کند. این نیروی خلاق فعالیت‌های جمعی را تصدیق می‌کنند. یعنی توانایی جنبش‌ها را برای ایده‌ها و پروژه‌های عملی که همگی فردی به تهایی نمی‌توانند آنها را تولید کند. دیدیه کریبر و آنتونیو نگری، با آنکه یکی دلمشغول اصل سازماندهی افقی است و دیگری در جاجرای مفهوم انبوهه می‌اندیشد، هر دو در مقاله‌هایی - نگری چندین‌چندین مقاله - نوشته‌اند و آن تودهای که نشوده‌اند منطق ویژه این شورش‌ها را بیرون بکشند و آنچه را به نظرشان نیوبدیشرین نیروهای عمل است تشویق کنند. سازمان آموزش رادیکال (RED)، سازمانی سیاسی که من با آن همکاری می‌کنم، جلیقه‌های مجمعی را به عنوان «جمع در مبارزه‌ها» را به نشر رسانده که بدیهترین نمونه‌ها را برای ایده‌ها و پروژه‌های عملی که به میدان آمد شناسایی می‌کند و به ویژگی‌های اشاره می‌کند که باید مقوم‌شان کنیم. کنونی را به قیامی انقلابی بر ضد سرمایه‌داری بدل سازند.

ورشکستگی روشنفکران فرانسه؟

روشنفکران و قیام‌ها: مورد جلیقه‌زردها
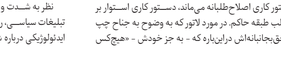
گابریل راکهیل . ترجمه: صالح نجفی